

«مقاله»

«اعجاز قرآن در آئینه عقل برهانی»

نام و نام خانوادگی : بی بی وحیده هاشمی

سطح علمی : کارشناسی علوم حدیث و سطح دو حوزه

محل اشتغال : مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا (س) مشهد مقدس

بخش محل فعالیت : گروه تفسیر و علوم قرآنی

پست الکترونیکی: v.h1351@yahoo.com

تلفن : ۰۹۱۵۵۰۱۲۳۷۷

چکیده:

اعجاز قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی است که پایه های حقانیت دین اسلام برآن استوار می باشد. اثبات اعجاز قرآن امری تعبدی و تقلیدی نیست، بلکه مبتنی بر برهان عقلی می باشد؛ زیرا «عقل برهانی» دارای حجیت بوده و قابل قبول همه خردمندان به ویژه نسل جوان و پرسشگر امروز و نیز مورد تایید و توصیه قرآن و معصومان (علیهم السلام) است.

در مقاله حاضر به کمک عقل بر معجزه بودن قرآن برهان اقامه شده است؛ به این معنا که، پیامبر اسلام (ص) مانند بیشتر انبیاء برای اثبات ادعای ارتباط با جهان غیب، معجزه داشته و همگان را به «مثل آوری» فرا خوانده است، این فراخوان در اصطلاح «تحدی» نامیده می شود. تحدی مشتمل بر یک برهان عقلی است: اگر قرآن معجزه نباشد آوردن مثل آن ممکن است، اما آوردن مثل قرآن ممکن نیست؛ در نتیجه قرآن معجزه است. مقدم در این قیاس از فطریات و یقینیات عقلی است و یقینی بودن تالی با بررسی وجوه اعجاز قرآن این گونه اثبات می شود:

قرآن از جهت آورنده بی نظیر است؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) اُمّی بود؛ یعنی تحت تعلیم هیچ انسانی قرار نگرفت و آوردن معارفی عمیق توسط فردی درس نخوانده نشان از معجزه بودن آن معارف دارد. از بُعد فصاحت و بلاغت نیز قرآن در مرتبه ای قرار دارد که بزرگترین ادیبان عرب به معجزه بودن آن اعتراف نموده و هرگز نتوانسته اند از این جهت با قرآن معارضه کنند، همچنین قرآن در موضوعات مختلف وارد شده و مطالب علمی را استوار و بر مدار حقیقت و عقلانیت بیان نموده و با این که نزول آن تدریجی و طی ۲۳ سال صورت گرفته هیچ تعارض و اختلافی در آن دیده نمی شود. اجتماع این ویژگی ها در قرآن، بی نظیر بودن آن را دو چندان می کند، افزون بر اینکه جلوه های اعجاز قرآن بی پایان بوده و با گذشت زمان و پیشرفت علوم از آنها رو نمایی می شود.

با توجه به نکات پیش گفته، تالی برهان اثبات و عقل مطمئن می شود که معارف و حقایق قرآن مافوق قدرت بشر بوده و تا ابد کسی نمی تواند کتابی مثل قرآن و باهمان ویژگی ها بیاورد؛ زیرا محدودیت های طبیعی انسان مانع از آوردن کتابی با همه ویژگی های قرآن می شود. افزون برآن قرآن، تجلی خدای «لیس کمثله شیء» و عصاره جهان هستی است از این رو هرگز همانند پذیر نبوده و معجزه ای جاودان است.

در این نوشتار به ترتیب به این مباحث پرداخته شده است: مفهوم شناسی (اعجاز، معجزه، اعجاز قرآن، عقل، برهان، قیاس)، تاریخچه، ضرورت اثبات اعجاز قرآن با عقل، برهان عقلی اثبات اعجاز قرآن، داوری عقل در وجوه اعجاز قرآن شامل: آورنده، فصاحت و بلاغت، هماهنگی و عدم تناقض، وسعت و استواری معارف و بی پایان بودن ابعاد اعجاز قرآن؛ تذکر چند نکته، دلایل مثل ناپذیری قرآن و نتیجه گیری.

کلید واژه ها: معجزه، اعجاز قرآن، عقل برهانی، یقینیات، تحدی (همانند طلبی)، مثل ناپذیر

مقدمه

قرآن معجزه جاویدان خاتم پیامبران (ص) است. سوالی که ممکن است برای بعضی مطرح شود آن است که چگونه باید به معجزه بودن قرآن معتقد شد؟ آیا باید به صورت تعبدی آن را پذیرفت یا در این مورد از بزرگان دین تقلید نمود؟ آیا با تکیه بر عقل می توان اعجاز قرآن را اثبات نمود؟ این نوشتار سعی دارد از راه مطمئن عقل که مورد قبول صاحبان اندیشه است معجزه بودن قرآن را اثبات نماید. به این منظور ابتدا باید کلیاتی در مورد موضوع مطرح شود.

مفهوم شناسی

۱- **اعجاز:** از ریشه عجز به معنای ضعف و ناتوانی از انجام کار^۱ و در اصطلاح آن است که کسی که مقامی از جانب خدا و منصبی الهی را ادعا می نماید، عملی را به عنوان گواه بر صدق گفتار خود انجام دهد که از حدود قوانین طبیعی بیرون بوده و دیگران از آوردن مانند آن عاجز و ناتوان باشند.^۲

۲- **معجزه:** در لغت اسم فاعل و به معنای بسیار عاجز کننده است و مفهوم مبالغه از «ء» در آخر این واژه به دست می آید. در اصطلاح، معجزه کار خارق العاده ای است که برای اثبات ادعای نبوت انجام شده و همراه با تحدی است.^۳

- **ویژگی های معجزه:** ۱- محال عقلی نیست. ۲- معجزه خارج از قانون علیت نیست؛ بلکه پدیده ای دارای علت است که علتش ماوراء طبیعی یا ناشناخته است. ۳- فعل حقیقی انبیاء است که به اذن الهی انجام می شود. ۴- قابل تعلیم و تعلم نیست. ۵- اثرگذاری آن حقیقی است نه خیالی و وهمی ۶- همراه تحدی و همآورد طلبی است. ۷- شکست ناپذیر و غیر قابل تقلید است.^۴

۳- **اعجاز قرآن:** امر خارق العاده ای است که توأم با ادعای رسالت و خاتمیت حضرت محمد (ص) بوده و حاوی علوم، معارف و حقایق والایی است و تا ابد همآورد طلبیده و جن و انسان همواره از آوردن همانند آن عاجز مانده و خواهند ماند.^۵

۴- **عقل:** در لغت به معنای حبس کردن و در اصطلاح به دو معناست. **اول:** عقلی که با استفاده از مقدماتی که از منابعی چون قرآن، سنت و علوم انسانی و... می گیرد، نتیجه گیری نموده و از مجهول به معلوم می رسد. در این معنا نقش عقل، چینش منطقی صغرا و کبرا و شکل دادن قیاس است. یعنی عقل نیرویی درک کننده است که به مسأله ای کلی دست یافته و موجب انتقال از امری به امر معلوم دیگر می شود.

این کارکرد عقل بسیار فراگیر است. **دوم:** مجموع قضایا و علوم بدیهی ضروری است که به آن، علوم اوایل یا علوم متعارفه گفته می شود و به صورت نظری در سرشت بشر نهاده شده و مورد پذیرش همگان است؛ یعنی به مجموعه آن علوم بدیهی و ضروری «عقل» گفته می شود. اکنون باید منظور از قضایای یقینی و بدیهی که از مباحث علم منطقی است، تبیین گردد.

۱. ابن منظور، لسان العرب، مدخل «عجز»

۲. ابوالقاسم خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۴۳

۳. ر.ک: محمد حسین طباطبایی، اعجاز قرآن، ص ۱۱۶

۴. محمد تقی مصباح یزدی، راهنما شناسی، ص ۲۰۵-۲۱۰ / عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، ص ۸۹-۱۰۸

۵. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۲۷۷.

-یقینیات: مجموعه معرفت های انسان، یکسان نیستند، بلکه نظامی طولی دارند و به دو قسم تقسیم می شوند: ۱- معرفت هایی که نیازمند اثبات و تأیید از سوی باورهای دیگر هستند (علوم نظری یا غیر بین). ۲- معرفت هایی که واضح بوده و نیازی به اثبات ندارند (علوم بین یا بدیهی).^۱ این علوم بدیهی و ضروری با عنوان یقینیات در منطق مطرح شده است. منظور از یقین، اعتقاد مطابق با واقع است که در آن احتمال خلاف داده نمی شود. یقینیات قضایی هستند که چنین خصوصیتی دارند و شامل شش قسم اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات، حدسیات و فطریات می باشند.^۲ معنای دوم عقل به مجموعه این قضایا اطلاق می شود. در نوشتار حاضر منظور از عقل این معنا است که به تبعیت از نظر مفسر قرآن آیت الله جوادی آملی «عقل برهانی» نامیده شده است.^۳ به عبارت دیگر سعی می شود اعجاز قرآن با استفاده از عقل برهانی یعنی مقدمات یقینی در قالب برهان و استدلال اثبات شود.

۵-قیاس: یکی از اقسام استدلال است که در آن ذهن از کلی به جزئی منتقل می شود. قیاس، کلامی است که از قضایایی تالیف شده که اگر صحتشان مسلم باشد بالذات مسلم قضیه دیگری می شوند؛ مانند «کسی که شراب می نوشد فاسق است؛ هرکس شراب می نوشد شهادتش پذیرفته نمی شود؛ پس هرکه شراب می نوشد شهادتش پذیرفته نمی شود.» به مجموع این سه قضیه «قیاس»، قضیه اول صغرا، قضیه دوم کبرا و قضیه سوم نتیجه گفته می شود. در این مثال اگر صحت صغرا و کبرا اثبات شود به صورت ذاتی صحت قضیه سوم را نتیجه می دهد. قیاس دارای اقسام، شرایط و قواعدی است که در کتابهای منطق ذکر شده اند.^۴

۶-برهان: قیاسی است که مقدمات آن از یقینیات باشد. برهان از آن جهت که مقدماتش یقینی و قبول آنها واجب است نتیجه اش نیز یقینی و پذیرش آن ضروری است.^۵ و در مقایسه با سایر اقسام قیاس از اعتبار بالاتری برخوردار است. برهان، به علت تکیه بر یقینیات شالوده ای محکم برای همه علوم بشری بنا نهاده است.

تاریخچه:

معجزه، پیشینه ای به قدمت ظهور پیامبران دارد ولی در طی قرن ها، در سیر تحول معجزات پیامبران بزرگ، یک حرکت آرام از حس گرایی به عقل گرایی مشاهده می شود. عقل گرایی معجزات پیامبران در معجزه پیامبر اسلام یعنی قرآن به اوج خود رسید.

در ادوار مختلف تاریخی، وجوه مختلف اعجاز قرآن با فراز و فرودهایی روبرو شد. در قرن های اولیه اغلب به اعجاز قرآن از جنبه فصاحت و بلاغت و اسلوب بیان توجه می شد و کتابهای بسیاری در اعجاز بیانی قرآن

۱. ر.ک: حسین صابری، مقاله «اندیشه هاواندیشه وران»، مشکوه، ش ۵۸ و ۵۹، ص ۱۱۶-۱۱۹.

۲. هر یک از این شش قسم چنین تعریف می شوند: ۱- اولیات: گزاره هایی که عقل تنها با تصور موضوع و محمول و نسبت میان آنها، بدون احتیاج به علتی بیرون از اجزاء گزاره، آن را می پذیرد و تصدیق می کند. مانند «اجتماع نقیضین محال است». ۲- مشاهدات (محسوسات): قضایایی است که صرف تصور موضوع و محمول و نسبت میان آنها، موجب تصدیق نیست، بلکه پذیرش آنها مبتنی بر حواس ظاهری یا باطنی است مانند «این آب سرد است». ۳- تجربیات: گزاره هایی هستند که عقل از راه تکرار، آزمایش و مشاهده، به علت دست یافته و مفاد آنها را می پذیرد مانند «حجم آب با یخ زدن بیشتر می شود». ۴- متواترات: قضایایی که افراد بسیاری آن را نقل کرده اند و احتمال سازش آنها بر دروغ گویی و خطای همه در فهم حادثه، منتفی است. ۵- حدسیات: گزاره هایی هستند که حدس قوی از نفس، عقل را به تصدیق مفاد آنها وامی دارد. حدس حالتی است که هرگونه تردید را زایل می کند. به طور مثال از اینکه شکل ماه به نسبت دوری یا نزدیکی از خورشید تغییر می کند؛ حدس زده می شود که «نور ماه از خورشید است». ۶- فطریات: قضایایی که عقل به مجرد تصور دو طرف قضیه، آن را تصدیق نمی کند، بلکه تصدیق آن نیازمند واسطه ای است که در ذهن حاضر می باشد. مانند «دو نصف چهار است». (محمد رضا مظفر، المنطق، ص ۳۱۴-۳۲۳)

۳. تسنیم، ج ۱، ص ۵۷، ۱۷۰.

۴. ر.ک: محمد رضا مظفر، همان، ص ۲۳۲-۲۹۴.

۵. همان، ص ۳۵۱، ۳۵۲.

به نگارش درآمد مانند: «معانی القرآن» فراء، «اعجاز القرآن» باقلانی، «الکشاف» زمخشری و... از قرن ششم اعجاز آن از بعد معارف عقلی بیشتر آشکار شد. این روند گرچه پس از قرن دهم دچار افول گردید ولی در قرن ۱۳ و ۱۴ هجری، به شکوفایی خاصی رسید. در این دو قرن مقارن با شکوفایی علم و صنعت در اروپا پژوهشگران قرآنی و مفسران به اعجاز قرآن از جهت مطالب علمی و اسرار آفرینش به طور ویژه توجه نمودند.^۱ امروزه گرچه به مباحث عقلی قرآن بسیار توجه می شود؛ اما در موضوع اثبات اعجاز قرآن با عقل برهانی، اثر مستقلى یافت نشد. البته در کتابهای اعجاز قرآن، مانند کتاب «اعجاز قرآن» علامه طباطبائی به این موضوع اشاره شده است.

ضرورت اثبات اعجاز با عقل: اثبات اعجاز قرآن با عقل از جهات زیر دارای اهمیت است:

۱- **حجیت عقل برهانی:** مهمترین راه اثبات اعجاز قرآن عقل است؛ زیرا حجیت عقل، هم به حکم عقل ثابت است (آفتاب آمد دلیل آفتاب) و هم به تأیید شرع؛^۲ پس آن چه به حکم عقل برهانی ثابت شود لازم الاتباع است.

۲- **مستدل کردن اعجاز قرآن:** مسلمانان بر این باورند که قرآن معجزه است. این باور باید متکی بر بینش استدلالی و آگاهانه باشد نه تقلیدی یا تعبدی. بر این اساس، باید برای آگاهی خویش در مباحث درون دینی و هم برای آگاهی دیگران در بحث های برون دینی اعجاز قرآن را با استدلال اثبات کنیم.

۳- **پذیرش همگانی استدلال عقلی:** بهترین وسیله ای که می توان به کمک آن اعجاز قرآن و در نتیجه حقانیت دین اسلام را ثابت نمود، که همه اقشار در تمامی اعصار، با تنوع زبان، نژاد، میزان سواد و... بتواند حقانیت آن را درک کنند استدلال و برهان عقلی است؛ زیرا استدلالی که بر بدیهیات عقلی است نزد همگان قابل قبول است.

علاوه بر اینها اثبات اعجاز قرآن با برهان عقلی به جهت توصیه قرآن و معصومان (ع) به تفکر و تعقل در مسائل اعتقادی و پاسخ به تمایل بشر امروز به عقلانیت ضروری به نظر می رسد.^۳

برهان عقلی اثبات اعجاز قرآن

انبیای الهی همواره دو سخن داشته اند؛ یکی ادعا و دیگری دعوت، ادعای آنان این است که با جهان غیب در ارتباطند و فرشتگان الهی بر آنان نازل شده پیام خدا را به آنان می رسانند. دعوت انبیاء به پذیرش معارف حقه در مبدأ و معاد و احکام و دستورهای تکاملی برای انسان است. اولین قدم در این زمینه آن است که ادعای نبوت پیامبران توسط معجزه اثبات گردد تا پس از آن بتوان از محتوای دعوت آنان سود جست.

اعجاز، برای اثبات دعوت پیامبران نیست، بلکه اساس اعجاز برای اثبات ادعای نبوت آنان است؛ زیرا پیامبر اگر مدعی است که با جهان غیب ارتباط دارد و فرستاده خداست، برای اثبات ارتباط خارق العاده اش باید کاری خارق العاده انجام دهد تا ارتباطش با آفریدگار جهان اثبات گردد و همگان ببینند که صدور امر خارق العاده، برای او ممکن است و او شخصی است فوق العاده که از قدرت لایزال الهی بهره مند است.^۴ همراه

۱. ر.ک: محمد هادی معرفت «اعجاز القرآن» دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۹، ص ۳۶۴-۳۶۶ /

رضا مؤدب، اعجاز قرآن، ص ۱۶-۲۱/ علی اکبر ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۶۷، ۶۸ / شادی نفیسی عقلگرایی در

تفاسیر قرن چهاردهم، ص ۲۴ / محمد علی رضایی اصفهانی، تفسیر علمی، ص ۲۲.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با علوم اسلامی، ج ۱، ص ۲۷۵.

۳. ر.ک: ابوالقاسم علی دوست، فقه و عقل، ص ۲۹-۳۲ / محمد بیدهندی، قرآن و تعقل، نشریه رسالت، ۱۳۷۶/۱۰/۸.

۴. عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، ص ۱۰۶، ۱۰۷.

خدشه ای بر آن وارد کنند و این معارف توسط یک انسان درس ناخوانده آورده شده باشد معجزه است و در کبرا با مراجعه به نظرمختصان رشته های مختلف اثبات می کنیم که قرآن چنین کتابی است؛ پس نتیجه می گیریم که قرآن از جهت وسعت و استواری معارفش معجزه است.

۵- کهنه نشدن وبی پایان بودن ابعاد اعجاز قرآن: در هر زمانی ابعاد دیگری از وجوه نامحدود اعجاز قرآن آشکار می گردد. این ویژگی قرآن چنان برجسته است که می تواند یک بعد مستقل از اعجاز باشد. امروزه معارف عمیق عقیدتی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، روانشناختی و... فراوانی از قرآن استخراج شده که در گذشته چندان مورد توجه نبوده است. تالیفات مختلفی که در این زمینه ها انجام شده گویای این مطلب است و این روند در آینده هم ادامه خواهد داشت.

بی شک کتابی که توسط یک انسان تالیف شده باشد نمی تواند حاوی معارف بی انتها باشد و هرچند از نظر علمی برجسته باشد، اما با گذشت زمان رنگ کهنگی گرفته و معارفش به پایان می رسد. ماتریالیسم، هگلیسم، داروینیسم، فرویدینیسم، اگزنتیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم، مدرنیسم و... همه مکاتب بشری هستند که در عرصه ای به میدان آمده و تعاریف متفاوتی از جهان ارائه دادند ولی عمر هیچ کدام به یک قرن هم نکشید و دانشمندان دیگر نظرات آن ها را مردود اعلام کردند.

نکات: تذکر چند نکته در این جا ضرورت دارد.

۱- چنان که بیان شد وجوه اعجاز قرآن به آنچه گفته شد محدود نمی شود و موارد ذکر شده به جهت اهمیت برگزیده شده است.^۱

۲- وجوه اعجاز قرآن تا حدودی ویژگی های قرآن را بیان می کنند و چنانکه ذکر شد «مثل» قرآن یعنی غیر قرآنی که دارای همه آن ویژگی ها باشد. علاوه بر اینکه دارای سبکی نو وبی سابقه باشد؛ پس کتابهایی چون «فرقان الحق» یا رساله «حسن الایجاز» نمی توانند مثل قرآن باشند؛ زیرا نو و بدیع نبوده و تنها به تقلید از اسلوب قرآن پرداخته اند. همچنین قرآن در ۱۴ قرن پیش از چیزهایی سخن گفته که علم اکنون به آن رسیده است. کسی که می خواهد جواب تحدی قرآن را بدهد و همانند آن را بیاورد باید کتابش مشتمل بر مطالبی باشد که قرن ها بعد دانشمندان به آن دست یابند.

۳- قیاس هایی که در هر یک از وجوه اعجاز قرآن شکل می گیرد از دو قضیه یقینی تشکیل شده که اولی که یک قضیه کلی و از فطریات و دومی که باید با مراجعه به اهل همان فن اثبات گردد، از حدسیات است و قیاس از نوع برهان می باشد.

دلایل مثل ناپذیری قرآن

چنان که بیان شد قرآن از جهات مختلف معجزه بوده و تاکنون هیچ انسانی حتی از نوابغ عالم نتوانسته کتابی همچون قرآن بیاورد و هنوز کسی به ندای تحدی قرآن پاسخی درخور نداده است. برخی دلایل ناتوانی انسان برای آوردن کلامی چون قرآن را می توان به این ترتیب برشمرد:

۱- **محدودیت های انسان:** علت اساسی ناتوانی، مربوط به ویژگی های منحصر به فرد قرآن در مقایسه با ویژگی های انسان است؛ برخی ویژگی های انسان عبارتند از: **الف- تکامل تدریجی:** انسان به تدریج واجد کمالات اکتسابی و غیر اکتسابی می شود. از این روست که تفاوت محسوسی در دستاوردهای وی در طول زمان مشاهده می گردد. **ب- تاثیر پذیری:** تحول مداوم شرایط بیرونی و درونی انسان موجب پدید آمدن آثار ناهماهنگ و احياناً متضاد می گردد؛ آثار یک نویسنده در شرایط پیری و جوانی، سلامتی و بیماری؛ تنگدستی و گشایش و... متفاوت است. گاهی در آثار انسان اشتباهاتی پیش می آید

۱. برای اعجاز قرآن دو بعد اعجاز علمی و اخبار غیبی هم ذکر شده است که با توجه به تعریف و شرایط اعجاز دارای اشکال است که در این مقاله مجال پرداختن به آن نیست؛ به این دلیل، نوشتار حاضر متعرض این دو وجه نشده است.

که با پی بردن به آنها گفته های خود را نقض کرده و مواضع جدیدی اتخاذ می کند. ج - محدودیت و تفاوت استعدادها: انسان ها هر یک در زمینه ای که مستعدند به کمالاتی محدود دست می یابند و امکان دستیابی به همه کمالات در سطح عالی برایشان امکان پذیر نیست.

از سوی دیگر قرآن کتابی جامع، فاقد تناقض و مشتمل بر مسایل متنوع و دقیق می باشد. بنابر این به طور طبیعی انسانی با آن خصوصیات، کتابی با این ویژگی ها نمی تواند خلق کند و از آن جا که این خصوصیات در ذات آدمی و خلقت او نهفته است انسان های آینده هم نخواهند توانست کتابی همچون قرآن خلق کنند. انسان نه تنها نمی تواند مثل قرآن را بیاورد بلکه حتی نمی تواند در اینکه آیا چیزی به طور دقیق مثل قرآن است یا نه، داوری کند؛ زیرا داوری باید به همه معارف و ویژگی های قرآن آگاه باشد تا بتواند مثل بودن را به درستی تشخیص دهد و شناخت همه معارف قرآن برای غیر معصوم ممکن نیست؛ گرچه با مشاهده کوچکترین نقص، قادر است عدم برابری مصنوع بشری با قرآن را تشخیص دهد.

2-نشأت قرآن از علم بی انتهای الهی: دلیل دیگر مثل ناپذیری آنکه قرآن از علم الهی سرچشمه گرفته است. خدایی که به زمان و مکان احاطه دارد و علم اولین و آخرین و ظاهر و باطن در نزد اوست. معارف قرآن که از چنین علم بی انتهایی نشأت گرفته شامل این موارد است: ۱-معارفی که به اسماء خدای سبحان و صفات او مانند حیات، علم، قدرت، سمع، بصر، یکتایی و... مربوط است. ۲-معارف مربوط به افعال خدای تعالی چون خلق و امر، اراده و مشیت، هدایت و اضلال، و... است. ۳-معارف مربوط به واسطه هایی که بین خدا و انسان هستند؛ مانند: حجاب ها لوح، قلم، عرش، کرسی، بیت المعمور، و... ۴-آنچه مربوط به خودانسان در زندگی قبل از دنیای اوست. ۵-معارف مربوط به انسان در دنیا، چون تاریخ پیدایش انسان، خودشناسی، اصول اجتماعی، مسائل نبوت و وحی و الهام، کتاب، دین و شریعت و نیز داستان های انبیاء و اقوام گذشته؛ ۶-معارف مربوط به انسان در عوالم بعد از دنیا؛ یعنی برزخ و معاد؛ ۷-معارف مربوط به اخلاق نیک و بد انسان که مقامات اولیاء در صراط بندگی یعنی اسلام و ایمان و احسان و اخبات و اخلاص مربوط به این قسم است. ۸-آیاتی که در آن ها احکام حلال و حرام بیان شده است.^۱

«مثل قرآن» باید دارای معارفی این چنین باشد بدون آن که از قرآن اقتباس یا تقلید کند؛ بلکه باید در این موضوعات حرفی نو و البته مطابق حقیقت و بدون گزافه گویی و خیال بافی بگوید و روشن است که هیچ انسانی بدون اتصال به غیب، به گذشته و آینده و حقیقت عالم احاطه ی علمی ندارد. خداوند این حقیقت را در قرآن چنین بیان فرموده است: «كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، ۱۵۱) تعبیر دقیق «مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» به معنای آنچه نمی دانستید نیست؛ بلکه به معنای شما نبودید که از راه های عادی آن را بدانید است؛ یعنی از راه های عادی توان دانستن آن را ندارید و این ویژگی قرآن اختصاص به دوران انحطاط علم ندارد و تا ابد قرآن معلم علوم است که بشر را به آن راهی نیست.^۲ در جای دیگری می فرماید قرآن به علم خدا نازل شده است: «فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ» (هود، ۱۴). به یقین علم انسان نمی تواند با علم خدا معارضه و برابری کند.

۳-قرآن تجلی خدای بی همتا: از آن جا که قرآن معجزه و کلام خدای «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» است، خودش نیز «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» یعنی بی مانند است و امکان مثل آوری برای آن نیست. هیچ کس نمی تواند مانند آن سخن بگوید و گفته خود را به جای کلام الهی جا بزند. ذات خداوند در کتابش برای مردم تجلی کرده بدون آن که بتوانند او را ببینند.^۳

۱. ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۰، ۲۱.

۲. عبدالله جوادی آملی، تسنیم، ج ۱، ص ۴۹، ۵۰.

۳. همان، قرآن در قرآن، ص ۲۵، ۳۲۸.

۴- قرآن عصاره جهان هستی: اگر نظام هستی را خلاصه کنند، به این کتاب تبدیل خواهد شد و اگر این کتاب را تفصیل دهند به نظام هستی مبدل خواهد شد و این همان هماهنگی کتاب تکوین و کتاب تدوین است. قرآن حکیم پیام جامع و مشترک بین انسان و جهان است؛ بنابراین کسی نمی تواند چیزی مانند قرآن که چکیده عالم هستی است خلق کند. همان طور که کسی نمی تواند کیهان و کهکشان و منظومه شمسی بسازد و چنان که عالم تکوین دوتا نمی شود، قرآن هم نظیر و مشابهی ندارد.^۱

نتیجه: قرآن معجزه است و آوردن مثل آن ممکن نیست. با اثبات اعجاز قرآن، صحت ارتباط پیامبر (ص) با حق تعالی اثبات می شود و در نتیجه تمام محتوای دعوت ایشان، یعنی آیات قرآن به عنوان کلام حق تعالی به طور کامل قابل اطمینان و یقینی می شود.

به عبارت دیگر، وقتی اثبات شود که قرآن کلام خدایی است که در او خطا، نسیان، جهل و... راه ندارد، به طور قطع تمام مطالب و معارف آن یقینی خواهد بود. به این ترتیب حتی می توان آیات قرآن را جزو یقینیات منطقی و در کنار اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات، حدسیات و فطریات قرار داد و شمار آنها را به هفت مورد رساند. این چنین، یقینی بودن نص آیات قرآن با نگاه برون دینی و از راه دلایل عقلی محکم اثبات می شود و همان گونه که یقینی بودن مشاهدات، تجربیات و... برای غیر مسلمانان قابل استدلال است، یقینی بودن قرآن هم برایشان قابل اثبات است؛ بنابراین اثبات اعجاز قرآن از راه استدلال و برهان عقلی بهترین راه اطمینان به مفاد آیات نورانی قرآن و دستورات دین اسلام است.

۱. همان، ص ۳۲۸/همان، ادب فنای مقربان، ج ۲، ص ۱۹۰.

کتابنامه

*قرآن کریم

*نهج البلاغه، فیض الاسلام

۱. ابن منظور، لسان العرب، داراحیاء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۰۸.
۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، چ ۵، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۳. -----، تسنیم، چ ۸، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۴. -----، قرآن در قرآن، چ ۸، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.
۵. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، انتشارات دوستان - ناهید، ۱۳۷۷.
۶. خویی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة العلمية، بی تا
۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی، انتشارات اسوه، بی جا، ۱۳۷۵.
۸. سبحانی، جعفر، برهان رسالت، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۹۸ ق
۹. شیرازی، صدرالدین محمد، شرح اصول الکافی؛ طهران: مکتبه المحمودی، ۱۳۹۱ ق.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، اعجاز قرآن، چ ۱، مرکز نشر فرهنگی رجاء، تنظیم کننده: بنیاد علمی و فکری علامه، بی جا، ۱۳۶۲.
۱۱. -----، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۳، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۱۲. طوسی، خواجه نصیرالدین، کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، شرع علامه حلی، ترجمه ابوالحسن شعرانی، چ ۶، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۳. علی دوست، ابوالقاسم، فقه و عقل، چ ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱
۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، راهنما شناسی، اصول عقاید (۲)، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۷ ش
۱۵. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. مظفر، محمد رضا، المنطق، چ ۳، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۸ ق
۱۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چ ۱، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، پیامقرآن، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۳
۱۹. موسوی بجنوردی، کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۰. مؤدب، رضا، اعجاز قرآن، چ ۱، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۱. نفیسی، شادی، عقل گرایی در تفاسیر قرن چهاردهم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷
۲۳. هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، چ ۷، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۸ ق

مقالات:

۱. ایروانی نجفی، مرتضی و الهه شاه پسند، مقاله «ارتباط عقل و اعجاز» نشریه علوم قرآن و حدیث، سال ۴۵، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۲. بیدهندی، محمد، قرآن و تعقل، نشریه رسالت، ۱۳۷۶/۱۰/۸
۳. جعفری، محمد تقی، مقاله «اعجاز قرآن» نشریه کیهان فرهنگی، ش ۱۵۸، ۱۳۷۸.
۴. صابری، حسین، مقاله «اندیشه ها و اندیشه وران» مشکوه، ش ۵۸ و ۵۹.

منابع اینترنتی :

noorportal.net